جریده عالم

حماس خواستار مقابله با مصوبه نژادپرستانه رژیم صهیونیستی شد



به گزارش روز شنبه پایگاه خبری «فلسطین الیوم»، هنیه از سران کشورهای عرب خواسته تا با تجاوزهای رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین از جمله یهودی سازی شهر قدس، تعرض به مسجد الاقصی و محاصره غزه مقابله کنند. فلسطین الیوم اضافه کرد که هنیه با ارسال پیام هایی به «شیخ صباح احمد الصباح» و «محمد ششم» شاه مغرب از آنها و دیگر کشورهای عربی -اسلامی خواست ضمن محکومیت مصوبه نژاد پرستانه تشکیل کشور یهود، مانع اجرای آن شوند. وی در این پیام ها از امیر کویت و شاه مغرب خواست مانند سد محکمی از اجرای مصوبه تبعیض آمیز رژیم صهیونیستی ممانعت به عمل آورند. هنیه مصوبه پارلمان رژیم صهیونیستی با عنوان کشور یهود را نقض آشکار حقوق مردم فلسطین در خاک خود، چالش پیش روی ملت های عربی -اسلامی و همه آزادگان جهان و نقض صریح قوانین سازمان ملل در خصوص حق بازگشت و تشکیل دولت مستقل فلسطینی به پایتختی قدس دانست. وی با تاکید بر تشکیل جبهه ای متشکل از همه کشورها برای مقابله با جانبداری آشکار دولت آمریکا از رژیم صهیونیستی، خواستار پایان دادن به نادیده گرفتن قوانین بین المللی در ارتباط با ملت فلسطین شد. وی از کشورهای عربی و اسلامی و جامعه جهانی خواست که برای جلوگیری از اقدامات رژیم صهیونیستی تلاش و تصمیماتی بازدارنده اتخاذ کنند.

واکنش جنبش جهاد اسلامی

«یوسف الحساینه» از رهبران «جنبش جهاد اسلامی فلسطین» نیز دیروز گفت که قانون کشور یهود که در «کنست» رژیم صهیونیستی تصویب شد، سرشار از نژادپرستی و تنفر است. وی افزود: این مصوبه ثابت می کند که دیگر شکی نیست که رژیم صهیونیستی به راه خود برای از بین بردن موجودیت فلسطین در سرزمین های اشغالی سال ۱۹۴۸ میلادی ادامه خواهد داد، کما اینکه این مصوبه زمینه سازی برای مصادره بخش های بیشتری از کرانه باختری و الحاق آن به شهرک های صهیونیست نشین است. این رهبر جهاد اسلامی فلسطین گفت: در صورت اجرای این مصوبه، ما وارد مرحله جدیدی از کوچاندن اجباری هموطنان فلسطینی خود در قدس و داخل سرزمین های اشغالی خواهیم شد و مقابله با این طرح جنایتکارانه و خطرناک نیاز به یکپارچه شدن تلاش های ملی و منطقه ای دارد.

راه پیمایی جمعه آینده

«شورای ملی راه پیمایی بازگشت و رفع محاصره غزه» پس از گذشت ۱۰۰ روز از راه پیمایی در مرزهای نوار غزه با صدور بیانیه ای، با تاکید بر تداوم آن جهت تحقق حق بازگشت فلسطینیان اعلام کرد که نام راه پیمایی هفته بعد «جمعه زندگی، آزادی، مخالفت با محاصره و وفاداری به شهدای قدس» است. این بیانیه خواستار مشارکت همگانی فلسطینی ها در دفاع از مسجد الاقصی، «قبه الصخره» و مخالفت با طرح های آمریکایی از جمله معامله قرن شد. شورای مذکور از سازمان ملل خواست مانع اجرای سیاست های رژیم صهیونیستی در کشتار کودکان و تبعیض نژادی علیه فلسطینیان شود.

دستگیری ۵ نوجوان در صحن های مسجد الاقصی

«باشگاه اسیران فلسطینی» دیشب اعلام کرد که نظامیان رژیم صهیونیستی ۵ نوجوان فلسطینی را پس از بازجویی دستگیر کردند. «اشرف القدره» سخنگوی وزارت بهداشت فلسطین نیز صبح امروز از شهادت یک نوجوان ۱۷ ساله اهل «رفح» بر اثر اصابت گلوله صهیونیست ها در نوار غزه خبر داد. وزارت بهداشت فلسطین در بیانیه ای اعلام کرد که این نوجوان دیروز در راه پیمایی بازگشت در مرز شرقی رفح بر اثر اصابت گلوله به سینه اش به شدت زخمی شده بود که امروز شهید شد. بدین ترتیب شمار کشته های راه پیمایی دیروز در نوار غزه به ۳ تن افزایش یافت.

با پیروزی بشار اسد در جنگ داخلی، آمریکا باید استراتژی خود در خاورمیانه را بازبینی کند

کلید خاورمیانه جدید در دست کیست؟

PDF Compressor Free Version



حمیدرضا پیش‌بهار

یک ماه از بازپس گیری شهر درعا توسط دولت بشار اسد می گذرد و با وجود اینکه هنوز درگیری ها تمام نشده است اما این پیروزی نقشی سمبلیک در تفوق ارتش دولت بر شورشیان دارد.

در ششم ماه مارس سال ۲۰۱۱ بود که قیام مردم از شهر درعا آغاز شد و در ادامه با گسترش جنگ داخلی در سرتاسر سوریه، منطقه خاورمیانه مجددا دچار جنگ و بی ثباتی شد و حتی اروپا هم از این ناآرامی ها بی نصیب نماند. این جنگ دیر یا زود تمام می شود.

گمان می رفت که بشار اسد با گذشت زمان سرنگون شود اما او با کمک روسیه، ایران و حزب‌الله مجددا قدرت گرفت و تقریبا تمامی مناطق سوریه را تحت کنترل دارد.

واشنگتن چنان درگیر مشکلات داخلی و اروپایی است که دیگر کاهش نیم میلیونی جمعیت سوریه طی هفت سال گذشته برایش چندان اهمیتی ندارد.

در هر صورت جنگ سوریه رو به پایان است و برندگان آن از همین حالا در حال جشن گرفتن هستند. زمان آن رسیده است که در مورد اهداف و جایگاه آمریکا در خاورمیانه جدید فکر کنیم. ابتدا باید در گفتمان سنتی آمریکا در قبال کشورهای خاورمیانه تجدید نظر کنیم؛ گفتمانی که تنها باعث سردرگمی و بن‌بست در سوریه و دیگر کشورهای جنگ‌زده خاورمیانه شده است.

معایب استدلال قیاسی بر همگان واضح است اما نمی توان فواید آن را نادیده گرفت. قیام در سوریه زمانی رخ داد که به نظر می رسید موج جدیدی از آزادی و آزاداندیشی این منطقه را در بر گرفته است. قیام در درعا زمانی شروع شد که دیکتاتورهای کهنسال مصر و تونس قدرت را به مردم واگذار کرده بودند. اما مشکل این بود که دیپلمات‌ها، سیاست گذاران، تحلیل گران و روزنامه‌نگاران نمی توانستند تفاوت‌های ساختاری بین دولت بشار اسد و رژیم مبارک یا بن علی را تشخیص دهند.

به همین دلیل بود که جامعه سیاسی نمی توانست مقاومت بشار اسد بر سر قدرت را پیش‌بینی کند. آنها فکر می کردند اسد هم مانند مبارک و دیگر دیکتاتورهای منطقه خیلی زود قدرت را واگذار خواهد کرد. اما وی استراتژی جدیدی اتخاذ کرد و با مقابله نظامی با قیام درعا زمین بازی را تغییر داد.

در میانه کار و زمانی که شورشیان سکولار، داعش و نیروهای منطقه‌ای در حال نبرد در سوریه بودند، روسیه نیز به عنوان قدرتی جهانی وارد بازی شد. اینجا بود که تعریف منافع آمریکا در این نبرد چندجانبه کاری سخت شد. در نتیجه واشنگتن درگیری‌های خونین را محکوم می کرد، برای پناه‌جویان کمک ارسال می کرد، شورشیان را آموزش می داد و مواضع داعش بمباران می کرد اما در عوض هیچگاه به صورت مستقیم وارد جنگ داخلی سوریه نشد.

اما این استراتژی تنها خاص دولت اوباما نبود و ترامپ هم مانند وی علاقه‌ای به افزایش حضور آمریکا در خاورمیانه ندارد و بیشتر در پی خروج از آن است. ترامپ اعلام کرده است که پس از انهدام کامل داعش سوریه را به روسیه خواهد سپرد. در این شرایط در حالی که هنوز هر روزه صدها نفر در سوریه کشته می‌شوند، آمریکا تنها به ابراز نگرانی بسنده کرده و صحنه را تماشا می کند. مسلما تفاوت‌های ساختاری بسیاری بین سوریه و رواندا، دارفور و سربرنیتسا وجود دارد اما اینجا هم کشتار دست‌جمعی توسط دو طرف منازعه آمریکا را فلج کرده است. به نظر می‌رسد حتی اربابان جنگ هم نمی‌توانند از تکرار تاریخ جلوگیری کنند.

بسیاری از تحلیل گرانی که خواهان کاهش نقش آمریکا در سوریه بودند خیرخواه این کشور بودند. تجربه حمله به عراق و در ادامه بی ثباتی منطقه، قدرت گیری ایران، خدشه‌دار شدن روابط واشنگتن با متحدانش و برافروختن آتش خشم افراطی گری تنها باعث تضعیف موقعیت آمریکا در خاورمیانه شد.

در مقابل گروهی از تحلیل گران بی‌عملی آمریکا در سوریه را دلیل بروز وقایع مشابه می دانند؛ این بار هم استراتژی آمریکا تنها باعث بی ثباتی منطقه، قدرت گیری ایران، به هم خوردن رابطه واشنگتن با متحدان منطقه‌ای و تشکیل گروه‌های تروریستی چندملیتی شد. شاید استراتژی عدم درگیری دردسرهای کمتری برای آمریکا به وجود آورده باشد اما در نهایت این کشور بهای سنگینی در خاورمیانه خواهد پرداخت.

کاهش قدرت و نفوذ آمریکا پس از قدرت گیری مجدد بشار اسد روند جدیدی است که از دیدگان تحلیل گران دور مانده بود، شاید به این دلیل که هیچ‌کس چنین روزی را پیش‌بینی نمی کرد. براساس معیارهای قدیمی اندازه‌گیری قدرت کماکان آمریکا کشوری بی‌همتا است. اما قدرت تا در صورت به کار گیری مفید واقع خواهد شد. به نظر می‌رسد که آمریکا دیگر مانند گذشته توان یا اشتیاق لازم برای شکل‌دهی به خاورمیانه را ندارد و در حال از دست دادن نفوذ خود در منطقه است.

به نظر می‌رسد که آمریکا دیگر مانند گذشته توان یا اشتیاق لازم برای شکل‌دهی به خاورمیانه را ندارد و در حال از دست دادن نفوذ خود در منطقه است. شاید این تصمیم به نتایج بهتری منجر شود. هیچ‌کس دوست ندارد که تجربه عراق مجددا تکرار شود. مسکو سعی می کند تا خود را در دل رهبران منطقه جا کرده و اثبات کند که شریک بهتری نسبت به واشنگتن است

شاید این تصمیم به نتایج بهتری منجر شود. هیچ کس دوست ندارد که تجربه عراق مجددا تکرار شود. مسکو سعی می کند تا خود را در دل رهبران منطقه جا کرده و اثبات کند که شریک بهتری نسبت به واشنگتن است. هنوز به غیر از بشار اسد رهبر دیگری این‌چنین دست نیاز به سمت کرملین دراز نکرده است اما به نظر می‌رسد که این موضوع منافع بسیاری برای نظام حاکم سوریه در بر داشته باشد.

در حالی که پوتین با تمام قوا به کمک متحد قدیمی خود آمد و در شرایط سخت وی را نجات داد، اوباما در مقابل متحد قدیمی خود حسنی مبارک را در مصر تنها گذاشت تا مردم به راحتی وی را پس از ۳۰ سال حکومت سرنگون سازند. به نظر می‌رسد که اعتماد متحدان آمریکا در خاورمیانه از کاخ سفید کمتر و کمتر شده است.

شاید اسرائیل، عربستان، امارات علاقه چندانی به بشار اسد و حکومت وی نداشته باشند اما با مشاهده تفاوت رفتار مسکو و واشنگتن با متحدانش آنها را تحت تاثیر قرار داده است. در حال حاضر سوریه هسته مرکزی و محور اصلی استراتژی روسیه در تثبیت خود به عنوان قدرت جهانی و بازیگر اصلی در خاورمیانه است. پوتین امروز از دمشق تا کردستان سوریه و از ایران تا مصر را تحت نفوذ خود دارد.

اسرائیل، ترکیه و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس کماکان پیرو آمریکا هستند اما در ماه‌های اخیر برای حفاظت از منافع خود نیم نگاهی به کرملین هم داشته‌اند. نتانیاهو پای ثابت عکس‌های دو نفره با پوتین شده است و رهبران ترکیه و ایران به همراه پوتین نقشی اساسی در عدم فروپاشی حکومت اسد بازی کردند.

بن سلمان، پادشاه جوان عربستان اکتبر ۲۰۱۷ به عنوان اولین رهبر سعودی به کرملین سفر کرد. امارات متحده عربی معتقد است که روسیه باید در حل منازعات خاورمیانه یکی کرسی داشته باشد. دیگر زمان حکمرانی مطلق آمریکا بر خاورمیانه گذشته است. این دوره ۲۵ سال به طول انجامید و قطعا از امروز اعمال نفوذ واشنگتن در خاورمیانه هزینه‌های بیشتری برای آمریکا خواهد داشت.

در نهایت وضعیت امروز سوریه نشان‌دهنده بلاتکلیفی آمریکا در خاورمیانه است. شاید خاورمیانه به مانند گذشته برای آمریکا مهم نیست، این در حالی که منافع این کشور در خاورمیانه هنوز پابرجا است: نفت، اسرائیل و حضور نظامی آمریکا در منطقه برای حفاظت از این دو.

آمریکایی ها از خود می پرسند که چرا در حالی که این کشور در حال تبدیل شدن به بزرگترین تولیدکننده نفت در جهان است هنوز هم به افزایش تعداد پایگاه‌های نظامی در اطراف خلیج فارس علاقه‌مند است.

پس از پشت سر گذاشتن دو جنگ در ۱۷ سال گذشته آمریکایی ها از خود می پرسند که چگونه بشار اسد در سوریه می تواند برای آنها مشکل‌ساز باشد. اسرائیل هنوز مشکلات خاص خود را دارد اما پس از گذشت ۷۰ سال به نظر می‌رسد این رژیم به تنهایی

در حالی که پوتین با تمام قوا به کمک متحد قدیمی خود آمد و در شرایط سخت وی را نجات داد، اوباما در مقابل متحد قدیمی خود حسنی مبارک را در مصر تنها گذاشت تا مردم به راحتی وی را پس از ۳۰ سال حکومت سرنگون سازند. شاید اسرائیل، عربستان، امارات علاقه چندانی به بشار اسد و حکومت وی نداشته باشند اما با مشاهده تفاوت رفتار مسکو و واشنگتن با متحدانشان، تحت تاثیر قرار گرفته‌اند

مشکلات خود را حل خواهد کرد.

عدم تحرک در سوریه نتیجه برخورد دو خواسته متضاد جامعه سیاسی آمریکا است:

اولین خواسته این است که برای حل مشکل کاری بکنیم، دومین خواسته همواره طوری است که راه‌حل اول را غیرممکن می‌سازد. شاید پیروزی روسیه، ایران و سوریه در جنگ داخلی فرصت خوبی باشد که امریکاییان گرد هم آمده و چیستی و چرایی منافع آمریکا را مورد بحث قرار دهند.

نحوه برخورد ترامپ با موضوعات منطقه‌ای تحت تاثیر جرات وی است. کنگره آمریکا هم دوقطبی شده و کارایی سابق را ندارد. در حالی که اوباما سیاست مبارزه سخت با گروه‌های افراطی را در پیش گرفته بود، ترامپ به بیت‌المقدس رفت و سفارت آمریکا را در آن شهر تاسیس کرد.

او قرارداد هسته‌ای با ایران ترک کرد و مجددا سیاست‌های دوره اوباما را زیر سئوال برد. وی خواهان ترک سوریه در کمترین زمان ممکن است اما مشاوران وی اعلام کردند که آمریکا تا زمان حضور ایران در سوریه باقی خواهد ماند.

آمریکا باید با استناد به همین تناقض‌ها، سیاست گذاری در خاورمیانه را مورد تجدید نظر قرار دهد. بسیاری با استدلال‌های قانع کننده‌ای معتقدند که آمریکا باید نقشی فعال در منطقه بازی کند. در مقابل دسته‌ای دیگر از تحلیل گران خواهان مداخله آمریکا از طریق دیپلماسی و سفر به ژنو هستند. در حال حاضر سیاست آمریکا ترکیبی از این دو است: بلاتکلیفی و اینرسی، تحت این شرایط سوریه، روسیه و ایران به پیروزی‌های خود در خاورمیانه ادامه خواهند داد.

خبر

آسوشیتدپرس:

رشد اقتصادی آمریکا دوام نخواهد داشت

به گزارش روز شنبه ایرنا از آسوشیتدپرس، هزینه های مردم آمریکا در بهار سال جاری افزایش یافت و شرکتها نیز در ساختمانها و تجهیزات بیشتری سرمایه گذاری کردند.

صادرات آمریکا نیز افزایش یافت. این عوامل در کنار هم موجب شد که رشد اقتصادی آمریکا در ماههای آوریل تا ژوئن به نرخ سالانه ۴,۱ درصد برسد که سریع ترین نرخ رشد در مدت نزدیک به چهار سال گذشته بود.

اکنون سوال کلیدی این است که آیا اقتصاد آمریکا می تواند با این نرخ به رشد خود ادامه دهد؟ احتمالا نه. برخی از عوامل رشد اقتصادی در سه ماهه گذشته ظاهرا عوامل یکباره و گذرا بوده اند.

صادرات سویا در حالی افزایش یافت که کشاورزان درصدد مقابله با تعرفه های خارجی بودند و هزینه های شرکتها نیز به علت افزایش سرمایه گذاری ها در تجهیزات حفاری نفت و گاز تقویت شد که این نیز ممکن است دوام نداشته باشد.

چالشهای دیگری نیز در چشم انداز وجود دارد. هزینه های استقراض برای خانه، خودرو و کارت های اعتباری در حال افزایش است که افزایش نرخ سود بانک مرکزی آن را تقویت کرده است و افزایش قیمتها موجب شده که میانگین دستمزد ساعتی که زمانی با تورم هماهنگ می شد در ۱۲ ماه گذشته ثابت باشد. اما سایر روندها پایدار به نظر می رسند و می توانند به تقویت رشد اقتصادی بالاتر از حدود نرخ سالانه حدود ۲ درصدی که پس از پایان رکود بزرگ حکمفرما بوده است کمک کنند.

بازبینی در داده های دولتی نشان می دهد که مصرف کنندگان بیش از تصور سابق صرفه جویی و پس انداز کرده اند و این امر مجال بیشتری برای هزینه کردن آنها ایجاد کرده است. در حالی که تقاضای شرکتها و



مصرف کنندگان در حد بالایی است، شرکتها ممکن است ذخایر کالایی خود در انبارها را بازسازی کنند که این امر به رشد اقتصادی در ماه‌های آینده می‌افزاید. اما این تصویر خوشبینانه تا حدی بستگی به مناقشه های تجاری دولت ترامپ با شریکان بزرگ تجاری آمریکا دارد زیرا این مناقشه ها ممکن است منجر به تضعیف اقتصاد آمریکا شوند.